

بررسی نقش طرح‌های حمایتی در جوانی جمعیت در گفت‌وگوی «جوان» با مدیرکل بانوان و خانواده سازمان بهزیستی

طرح‌های حمایت از خانواده‌ها و مادران از مشوق‌های اقتصادی مؤثرتر است

برای جوانی جمعیت باید بلندمدت‌تر فکر کنیم و خانواده را به اندازه کافی حمایت کنیم تا خیالش راحت شود که اگر فرزندی به دنیا بیاورد از کمک‌های لازم برخوردار خواهد شد

زهرا چیذری

فرزندآوری دنیایی بی‌نهایت شیرین است که البته با سختی‌های خاص خودش همراه است و این سختی‌ها در خانواده‌هایی که خداوند به آنها فرزندان دو یا چندقلو می‌دهد به مراتب بیشتر می‌شود؛ بر همین اساس هم حمایت از خانواده‌هایی که دارای فرزندان دوقلو و بیشتر هستند یکی از مواردی است که در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز مورد توجه قرار گرفته است. به طور نمونه مدت مرخصی زایمان برای مادرانی که دوقلو یا چندقلو داشته باشند به ۱۲ ماه افزایش می‌یابد و از سوی دیگر در مورد تولد فرزندان دوقلو و بیشتر، به ازای هر فرزند، یک وام تعلق می‌گیرد، اما سازمان بهزیستی هم به سهم خود برای حمایت از مادرانی که فرزندان دو یا چندقلو دارند وارد عمل شده و طرحی را در دستور کار دارد. «طرح حمایت از خانواده‌های دارای فرزندان دو یا چندقلو» خبری بود که رئیس سازمان بهزیستی کشور به مناسبت هفته بهزیستی آن را رسانه‌ای کرد. به گفته سید محمد حسینی در حال حاضر ۴۲ هزار خانوار دارای فرزندان دوقلو و چندقلو داریم که قرار است با آموزش و به کارگیری مراقبان همراه، از این خانواده‌ها حمایت شود. در این طرح، مراقبان همراه آموزش می‌بینند و هر مراقبی می‌تواند به ۱۰ خانوار برای نگهداری و مراقبت از فرزندان کمک کند. برای اجرای این طرح نیز اعتبار اختصاص داده شده است. طبق توضیحات رئیس سازمان بهزیستی کشور این طرح علاوه بر حمایت از خانواده‌های دارای فرزندان چندقلو، می‌تواند زمینه اشتغال‌زایی برای زنان سرپرست خانوار جوان و فرزندان جوان خانواده‌ها را نیز فراهم کند. برای دانستن جزئیات بیشتر این طرح و مزایایش برای خانواده‌ها و همچنین ماحصل آن برای جوانی جمعیت به سراغ مریم خاگر نگین مدیر کل بانوان و خانواده سازمان بهزیستی رفته‌ایم و با وی به گفت‌وگو نشستیم.

طرح حمایت از خانواده‌های دارای فرزندان دو یا چندقلو چرا و به منظور چه هدفی شکل گرفت؟

خانواده‌هایی که صاحب فرزندان چندقلو می‌شوند، اغلب با یک بحران خانوادگی مواجه می‌گردند. به طور کلی، ورود فرزند به خانواده خود نوعی بحران روانی-اجتماعی محسوب می‌شود، اما در خانواده‌های دارای چندقلو، به دلیل افزایش تعداد کودکان و نبود مهارت‌های کافی و همچنین نبود آمادگی لازم برای مراقبت همزمان از چند کودک، این بحران شدت بیشتری پیدا می‌کند. در مطالعاتی که روی کشورهای دیگر انجام داده‌ایم، حتی در کشورهای که نظام بهداشتی پرستاری از کودک در آنها دیده می‌شود، خانواده‌های دارای فرزند چندقلو مشکلات متعددی را گزارش کرده‌اند؛ به گونه‌ای که آموزش‌های ارائه‌شده توسط پرستاران، مطابق با نیاز واقعی این خانواده‌ها نیست، مثلاً در خانواده‌های تک‌فرزند، آموزش‌های مراقبتی ساده‌تر است، اما در خانواده‌های دارای چندقلو شکایت‌های متفاوتی وجود دارد؛ از جمله اینکه به‌محض شروع گریه یک نوزاد، نوزاد دیگر نیز شروع به گریه می‌کند، زمان تعویض و تغذیه آنها نزدیک به هم است و مدیریت همزمان این موارد برای خانواده بسیار چالش‌برانگیز بوده و نیاز به آموزش ویژه دارد.

از سوی دیگر، موضوع بسیار مهمی که دیده می‌شود، «زدست رفتن شغل مادر» است. مادران اغلب، به‌خاطر انجام وظایف مادری، شغل خود را رها می‌کنند که این پدیده‌ای عجیب و مختص کشور ما نیست. در کشورهای دیگر نیز مادران چندقلو مرخصی‌های طولانی‌تری دارند (در ایران، طبق قانون جوانی جمعیت، مرخصی زایمان تا یک سال است، اما این مدت برای چندقلوها کافی به نظر نمی‌رسد). آنچه نگران‌کننده‌تر است، اینکه به‌ویژه در دوران نوزادی، حتی «پدر نیز ممکن است شغل خود را از دست بدهد»، به‌خصوص زمانی که خانواده شبکه حمایتی دیگری نداشته باشد. پس از گذر از دوره نوزادی نیز پدر مجبور می‌شود ساعت‌های بیشتری کار کند تا هزینه‌های بالای درمانی و مراقبتی را تأمین کند، چراکه کودکان چندقلو معمولاً با مشکلاتی نظیر کم‌روزی، اختلالات تکاملی و معلولیت‌های مختلف روبه‌رو هستند.

این شرایط باعث می‌شود که مادر در ساعات طولانی‌تری بدون همراه در خانه بماند. باز دیده‌ای ما نشان می‌دهد که وضعیت مادران چندقلو به کلی با مادران تک‌فرزند متفاوت است؛ مثلاً بسیاری از مادران اعلام کرده‌اند که دیگر فرصتی برای خانواده و همسر ندارند و حتی نمی‌توانند فرزندان خود را برای خرید یا تفریح به بیرون ببرند. در یکی از آخرین مصاحبه‌هایم با یک خانواده، از مادر پرسیدم آخرین بار کی با همسر و بچه‌هایش به بیرون رفته است که پاسخ داد: «هفته‌ای یک بار هم بریم امکان پدر نیست، چون مدیریت هم‌زمان سه کودک پیش‌دبستانی، مرا کاملاً خسته کرده است». بنابراین بسیاری از کارهای روزمره به زمانی موکول می‌شود که پدر به خانه برمی‌گردد، آن هم ساعت ۱۰ یا ۱۱ شب. در چنین شرایطی، یک مادر فرسوده و خانواده‌ای که زیر فشار قرار دارد، به شدت آسیب می‌بیند.

ظاهراً قرار است برای این طرح حمایتی از زنان سرپرست خانوار یا فرزندان آنها استفاده شود. چرا از پرستاران آموزش دیده استفاده نمی‌کنید؟

ما تصمیم گرفتیم از «نقاط قوت سازمان خود» استفاده کنیم. به‌عنوان مثال، خود من وقتی برای فرزندم به دنبال مراقب می‌گشتم، ترجیح می‌دادم او را به مهد کودک ببرم، چون درباره پرستارانی که وارد خانه می‌شوند اطمینان کافی نداشتم، اما در سازمان ما، مددکاران اجتماعی سال‌هاست که با «زنان سرپرست خانوار» در ارتباط هستند و آنها را به خوبی می‌شناسند؛ می‌دانند که این زنان چه

ویژگی‌هایی دارند و تا حدی برای ما معارف هستند. از طرفی، حمایت اقتصادی از این زنان نیز برای ما اولویت داشت و من شخصاً معتقدم که اشتغال برای یک زن، هویت مثبتی ایجاد می‌کند. البته شکی نیست که بهترین مراقب برای کودک، مادر اوست، اما مادری که خود فرسوده شده است، دیگر نمی‌تواند بهترین مراقب باشد. شاید بهتر باشد که ساعتی در کنار مادر، فرد دیگری نگهداری از کودک را برعهده بگیرد تا هم به کیفیت رابطه والدین کمک کند و هم فشار از روی مادر برداشته شود. بر این اساس، نقش‌های مراقبتی را به زنان (به‌ویژه زنان سرپرست خانوار) سپردیم، زیرا ویژگی‌های روانی و تربیتی آنها می‌تواند آنها را به مراقبانی خوب تبدیل کند، اما نباید مادران را زیر بار سنگین مراقبت له کنیم.

آیا این زنان سرپرست خانوار که قرار است در این طرح به کار گرفته شوند آموزش‌های لازم را می‌بینند؟

بله، قطعاً. برای تحقق این هدف، آموزش‌هایی به زنان سرپرست خانوار ارائه شد و از هر کسی که علاقه‌مند بود، دعوت به عمل آمد تا در این دوره‌ها شرکت کند. دولت نیز به ازای هر ساعت حضور این زنان، یارانه‌ای پرداخت می‌کند که مبلغ آن بسته به شرایط متفاوت است، به گونه‌ای که رقم‌های دریافتی بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان متغیر است و در صورتی که یکی از کودکان معلولیت داشته باشد، این مبلغ بیشتر خواهد بود. همچنین این مراقبان در کنار مادر، آموزش‌های لازم درباره مشکلات جسمی و مراقبتی کودک را نیز ارائه می‌دهند، تا فشار کمتری بر خانواده وارد شود و دولت‌های حامی بتوانند با حمایت‌های بهتر، این مسیر را هموارتر سازند.

این خانم مراقب قرار است هم با بچه‌بازی کند و هم به مادر آموزش بدهد. همراه این خانم، یک کوله‌بار اسباب‌بازی شامل کتاب و اسباب‌بازی‌های متناسب با مرحله رشد کودک ارسال می‌شود تا به تقویت مهارت‌های ارتباطی آنها کمک کند. این فرصتی فراهم می‌آورد تا مادر حداقل بتواند امور روزمره خود را پیگیری کند. بسته به انتخاب خانواده، می‌توانند به پارک بروند که این خانم همراه مادر خواهد بود؛ همچنین در استحمام، تغذیه و سایر امور مربوط به



کودک، با تکیه بر تجربه‌اش، به مادر کمک می‌کند. در چند سال اخیر چندقلوزایی نیز در حال کاهش است. یکی از دلایل چندقلوزایی استفاده از روش‌های درمان ناباروری همچون آی‌وی‌اف است، اما یکی از بازدارنده‌های اصلی فرزندآوری، مخصوصاً با توجه به مشکلات اقتصادی، این است که مادران برای پذیرش نقش مادری رها می‌شوند و مجبورند همه ابعاد زندگی‌شان را به‌خاطر مادری تعطیل کنند. در گروه‌هایی که زن و شوهر به فرزندآوری علاقه‌مندند و حتی ممکن است چندقلوزایی را بپذیرند، تمایل به بچه‌دار شدن کاهش پیدا می‌کند. یکی از دلایل اصلی این کاهش، احساس بی‌پناهی، رها شدگی و فرسودگی روانی بالای مادر است.

برای همین، ما به دنبال این هستیم که با پرداخت کمک‌هزینه مراقبت، به مادران کمک کنیم تا آسایش روانی بیشتری داشته باشند. این کمک‌هزینه برای خانواده‌های دارای فرزند چندقلو و برای حق پرستاری پرداخت می‌شود. البته نوع دیگری از کمک‌هزینه را نیز برای خانواده‌هایی که از این سرویس استفاده می‌کنند، در نظر گرفته‌ایم و آموزش‌های مربوطه در حال انجام است. کمک‌هزینه مراقبت را از سال پیش برای خانواده‌ها شروع کردیم و ردیف اعتباری برای آن ایجاد شد.

اما اگر واقعیتش را بخواهید، این کمک‌هزینه به‌تنهایی شاید به بهبود سلامت و بهداشت روان مادر کمک چندانی نمی‌کند، چون این مبلغ به سبب هزینه‌های خانواده اضافه می‌شود و شاید خود خانواده ترجیح می‌دهد که مثلاً برای بچه‌بستنی بخرد تا اینکه فردی را کنار دست خود بیاورد. به همین خاطر هم ما به دنبال آن هستیم تا این پرداخت‌ها هدفمند انجام شود و خانواده‌ها از خدمت واقعی استفاده کنند. هدف ما این است که ان‌شاءالله این برنامه به بهبود وضعیت روانی مادر کمک کند. من فکر می‌کنم این برنامه در آینده، در حوزه مراقبت تحول‌آفرین خواهد بود.

مریم خاگر نگین



چرا اینطور فکر می‌کنید؟

دلایلش این است که ما گروهی را داریم که برای ما تقریباً معرفی شده و وابسته هستند؛ مثلاً زنان سرپرست خانوار که مستمری، غربالگری سرطان و سایر خدمات را از ما دریافت می‌کنند. بنابراین نظارت اجتماعی بیشتری روی این خانم‌ها وجود دارد و احتمال اینکه از دسترس خارج شوند یا دچار مشکل شوند، کمتر است. نظارت اجتماعی قوی‌تری روی این مراقب وجود دارد، در حالی که اگر پرستار کودک و وابستگی سازمانی به جایی نداشته باشد، چنین نظارتی در کار نیست. البته ممکن است مؤسساتی هم در حوزه پرورش کودک فعالیت کنند، اما نظارت اجتماعی در مورد زنان سرپرست خانوار ما بیشتر است.

ما این طرح را حمایت می‌کنیم، به گونه‌ای که یک مددکار اجتماعی بالای سر مراقب همراه خواهد بود. خود مراقب همراه زیر نظر یک مرکز غیردولتی کار می‌کند و آن مرکز نیز با خانواده در ارتباط است و هر از گاهی وضعیت ارائه خدمات را رصد می‌کند. اگر خود این خانم مراقب دچار مشکل شود، از حمایت ما برخوردار خواهد شد.

آیا این طرح اجرایی هم شده است؟

بله در چهار استان به صورت پایلوت آغاز شده و آموزش‌ها در حال انجام است.

ساز و کار همراهی این مراقبان با خانواده‌های دارای فرزند دو یا چندقلو چگونه است؟

پیش‌بینی شده که هر خانواده دوبار در هفته (بدون تعیین ساعت مشخص) از این سرویس مراقبت همراه استفاده کند. برآورد ما این است که به ازای هر ده خانواده، یک مراقب باید این خدمت را ارائه دهد. این طرح شاید برای خانواده‌های عادی مقبولیت بیشتری داشته باشد، یعنی سازمان کمک‌هزینه مراقبت را پرداخت کند تا مادر شش‌اغل یا مادری که نیاز به زمان برای مطالعه یا هر فعالیت دیگری دارد، بتواند از این همراهی بهره ببرد.

آیا این طرح شمارد راستای قانون جوانی جمعیت است؟ چقدر اجرای چنین طرح‌هایی را در تحقق هدف افزایش جمعیت مؤثر می‌داند؟

برنامه ما این است که در راستای قوانین جوانی جمعیت، کمک‌هزینه پرداخت کنیم. باید توجه کنیم کشورهایی که در حوزه جوانی جمعیت موفق بودند، اصلاً سراغ تبلیغ صرف نرفته‌اند، بلکه دو مؤلفه را دنبال کرده‌اند؛ اول، اشتغال مادران و دوم، فراهم کردن خدمات حمایتی برای والدین کودک، مانند پرستار کودک. اگر من به عنوان یک زن، امروز بدانم که دستم در جیب خودم است، حتی اگر همسر همراهی لازم را نکند یا اتفاقی در زندگی رخ دهد، حداقل این اطمینان را دارم که فرزندم از حمایت لازم برخوردار خواهد شد. جالب اینجاست که در کشورهای توسعه‌یافته‌ای که خدمات جانبی نظیر مهد کودک، پرستار کودک و کمک‌هزینه‌های مشابه تعریف شده، بین اشتغال زنان و میزان فرزندآوری رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد، در حالی که در کشور ما ممکن است این رابطه بر عکس باشد. علت چیست؟ علت این است که من مادر تحصیل کرده، اهداف شخصی خودم را دارم و نمی‌خواهم آنها را از دست بدهم.

دلایل اینکه ممکن است کسی با وجود علاقه به مادر شدن، از این کار منصرف شود، دقیقاً همین است که اهداف شخصی برایش اهمیت دارد. بنابراین، مادر شاغلی که از حمایت دولت برخوردار باشد، قطعاً شرایط بهتری خواهد داشت. منظور از حمایت، مواردی مثل مرخصی زایمان کافی، ایجاد مرخصی برای پدران، و دقیقاً همان چیزی است که در قانون جوانی جمعیت به آن اشاره شده؛ از جمله پرداخت کامل حقوق شغلی مادر، ارائه خدمات مهد کودک، خدمات پرستار کودک و مراقبت از کودکان. این خدمات، امنیت روانی مادر را تأمین می‌کند و در بلندمدت به افزایش نرخ زاد و ولد در کشور کمک خواهد کرد.

ما با همین شرح وظیفه و با رویکرد حمایت از خانواده، این کار را شروع کرده‌ایم. اما می‌خواهم تأکید کنم که اگر به جوانی جمعیت فکر می‌کنیم، نباید صرفاً به فکر پرداخت زمین و موارد مشابه باشیم، چون این کارها در بسیاری از موارد دشمنی نیست و تأثیر بلندمدتی ندارد. باید بلندمدت‌تر فکر کنیم و خانواده را به اندازه کافی حمایت کنیم تا خیالش راحت شود که اگر فرزندی به دنیا بیآورد، از کمک‌های لازم برخوردار خواهد شد.

در مورد نحوه پرداخت کمک‌هزینه، ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا این مبلغ به خود خانواده پرداخت می‌شود یا به مراقب؟

در حال حاضر برنامه ما این است که کمک‌هزینه خرید خدمات مراقبتی، مستقیماً به خود مراقب همراه پرداخت شود، هر چند کمک‌هزینه‌های دیگری نیز در کنار آن داریم. به عنوان مثال، کمک‌هزینه مراقبت را از دو سال پیش به خانواده‌ها پرداخت کرده‌ایم. سال گذشته برای این کار ردیف اعتباری گرفتیم و مبلغ آن از ۱۰ میلیارد تومان به ۲۴ میلیون تومان کمک‌هزینه در طول سال به هر خانواده حدوداً ۲۴ میلیون تومان کمک‌هزینه در طول سال پرداخت کردیم. این افزایش اعتبار به دلیل توجیه‌پذیری برنامه برای سازمان برنامه و بودجه و سازمان بهزیستی بود و مورد قبول واقع شد. با این حال، باید بگویم که در حوزه تغذیه و سایر حوزه‌ها، تقریباً با خانواده‌های در معرض آسیب مواجه هستیم و نمی‌توانیم تصور کنیم که صرفاً پرداخت کمک‌هزینه، به آن هدفی که مدنظر داریم می‌رسد. مثلاً اگر شما کمک‌هزینه تغذیه بدهید، ممکن است آن پول صرف خرید چیپس و پفک شود و عملاً به بهبود وضعیت تغذیه کمکی نکند. ما اینجا در واقع به دنبال تغییر سبک زندگی یا بهتر بگویم، تغییر وضعیت زندگی افراد هستیم. هدف اصلی ما این است که مادر واقعا به آرامش برسد، نه اینکه صرفاً پولی به او بدهیم و تصور کنیم که مشکل حل شده است.